

بن بست همیشگی وجود ندارد

رسول صدرعاملی در گفت‌وگو با خراسان، درباره فیلم تحسین‌شده «زیبا صدایم کن»

بازگشت به عرصه کارگردانی و چالش‌های روایت قصه نوجوان امروز روی پرده سینما، می‌گوید

مآنده کاشیان
info@khorasannews.com



سابقه رسول صدرعاملی در روایت مشکلات مربوط به دختران نوجوان، به سال ۷۷ و «دختری با کفش‌های کتانی» می‌رسد. او پس از این فیلم در ساخته بعدی‌اش «من ترانه ۱۵ سال دارم» نیز قصه‌ای را حول محور یک دختر نوجوان روایت کرد، این فیلم تحسین شد و نه تنها در کارنامه صدرعاملی، بلکه در سینمای ایران نیز به یکی از آثار ماندگار تبدیل شد. سه‌گانه این کارگردان خوش‌سابقه درباره مسائل دختران نوجوان با فیلم «دیشب باباتو دیدم آیدا» تکمیل شد. صدرعاملی در این آثار موفق، تصویری ملموس و پرجزئیات از دختران نوجوان و چالش‌هایی که آن‌ها در زندگی و روابط خود تجربه می‌کنند، به تصویر کشید. این سینماگر سال ۹۶ در فیلم «سال دوم دانشکده من» نیز بار دیگر سراغ دغدغه همیشگی خود رفت و سپس از کارگردانی فاصله گرفت. تا این که سال ۱۴۰۳ فیلم «زیبا صدایم کن» را با محوریت پدر و دختری جدامانده از یکدیگر جلوی دوربین برد و به واسطه این اثر بازگشت موققی به کارگردانی داشت. این فیلم برگرفته از کتابی به همین نام نوشته فرهاد حسن‌زاده، سال گذشته در جشنواره فجر رونمایی شد و مورد استقبال قرار گرفت. «زیبا صدایم کن» که سیمرغ بهترین فیلم جشنواره ۴۳ را از آن خود کرد، این روزها روی پرده سینما در حال اکران است. به بهانه نمایش این فیلم که قصه‌ای به‌روز و پرامید را با محوریت شخصیت نوجوان خود روایت می‌کند، با رسول صدرعاملی درباره دوری او از کارگردانی، تولید «زیبا صدایم کن»، چالش‌های پرداختن به نوجوان امروز نسبت به دهه‌های گذشته و اهمیت بازنمایی روزنه‌های امید در سینما، گفت‌وگو کردیم.

چرا پس از فیلم «سال دوم دانشکده من»، حدود ۸ سال فیلمی نساختید؟

طی همه این سال‌ها، هر وقت احساس کردم قصه، فکر یا ایده‌ای دارم که علاقه‌مند هستم آن را بیان کنم و لازم است گفته شود، فیلم ساختم. در واقع از آن فیلم‌سازان حرفه‌ای نبودم که کارم فقط فیلم‌سازی باشد و بتوانم هر سال یک فیلم بسازم. ترجیح می‌دادم در حاشیه سینما مثلاً در حوزه تهیه‌کنندگی کار کنم تا فیلمی که می‌سازم، فیلم خودم باشد. اثری که فکر می‌کنم مسئله‌روز جامعه است و خوب است ساخته‌شود، اگر هم من این قصه را روایت نکنم، هیچ کس دیگر هم نمی‌گوید، چون هر کسی سینمای خودش را دارد و حرف خودش را می‌زند. آخرین ساخته‌ام «سال دوم دانشکده من» به دلایل مختلف، آن چیزی نشد که دلخواهم بود، به همین دلیل یک سکوت چندساله اتفاق افتاد تا اینکه رسیدیم به رمان آقای فرهاد حسن‌زاده و پیشنهاد کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، چون این رمان سال‌ها قبل نوشته شده، احساس کردم اگر در آن بازنگری اتفاق بیفتد طوری که چارچوب قصه حفظ، اما شرایط آن به‌روز شود، می‌تواند فیلمنامه خوبی شود.

این که فیلم‌ساز باسابقه و موقتی مانند شما بگویید آخرین ساخته‌ام اثر ایده‌آل خودم نبوده، حرف کمی نیست، از طرف دیگر با شوق فیلم‌سازی چه می‌کنید؟

هر کسی جهان ذهنی خاص خودش را دارد، نمی‌خواهم بگویم من بهتر هستم یا پدر. به عنوان یک فیلم‌ساز وقتی جذب قصه‌ای شدم، روایت آن برایم شوق‌آور بوده، دوست داشتم که مشتاقانه به سمتش بروم و احساس کردم آن قصه از بین این همه داستان نگفته باید روایت شود. اینکه به من بگویند کارگردان، نویسنده یا تهیه‌کننده چندان مسئله من نیست، سینمای ایران را دوست دارم و مسئله من این است که در این سینما، تا جایی که می‌شود در حد توان خودم، تأثیرگذار باشم.

یعنی ممکن است زمانی احساس کنید، به عنوان تهیه‌کننده فیلم‌هایی مانند «شنای پروانه» یا «جنگل پر تقال» می‌توانید موثر باشید.

«آگهی تفکیک اسناد»

شرکت تعاونی مسکن در حال تصفیه پزشکان ارم خراسان – مجتمع مسکونی پارسه در نظر دارد واحدهای احداثی خود را پس از تفکیک به نام اعضای اولیه تعاونی و خریداران به وسیله قولنامه عادی و یا وکالتی که اکنون متصرف هستند و شارژ واحدشان را پرداخت می‌کنند بنماید. چنانچه شخص یا اشخاصی نسبت به واگذاریهای شرکت تعاونی اعتراضی دارند لطفاً اعتراض خود را کتاباً به نهبانی مجتمع تحویل داده و رسید دریافت کنند. لازم به ذکر است که از تاریخ درج این آگهی در روزنامه به مدت ۱۰ روز مهلت اعتراض در نظر گرفته شده است. بدیهی است که پس از پایان مهلت رسمی اعلام شده هیچگونه ادعا و اعتراضی پذیرفته و بررسی نخواهد شد و فاقد اعتبار قانونی می باشد.

هیئت تصفیه شرکت تعاونی پزشکان ارم خراسان – پارسه

۱۳۷۳۰۵

صریح‌تر و بیشتر مطالبه‌گر هستند، بنابر این روی پرده سینما به آن بزرگی، نمی‌شود به آن‌ها دروغ گفت! نمی‌شود شعارهای روزمره را به‌رستگاری و خوشبختی راسر داد، نه! این‌ها کار نمی‌کند. نوجوان باید خودش وزندگی خود را روی پرده ببیند.

شما از دهه‌های گذشته تا به حال همواره

در آثارتان به مسائل جوانان و نوجوانان

پرداختید، اما چطور می‌شود به نوجوان امروز

و دغدغه‌هایش نزدیک شد؟



نمایی از فیلم «زیبا صدایم کن»

کافی است بین‌شان حضور داشته باشی و رابطه‌ات را با آن‌ها قطع نکنی، حالا یا واسطه فرزندان و آشنایان خود یا از طریق هنرچوهایی که علاقه‌مند به سینما و کار در این حوزه هستند. ممکن است در ک آن‌ها کمی سخت باشد، اما

می‌شود تا حدودی آن‌ها را فهمید، کافی است از آن‌ها دور نیفتاد. نمی‌شود رفت یک گوشه نشست، قلم به دست گرفت و فقط به جهان ذهنی خود اعتماد کرد. باید

کلمه به کلمه، پاراگراف به پاراگراف و توصیفات از زندگی را از خود این‌چپه‌ها، رفتار و کردارشان دریافت کنی، به این ترتیب سعی کنی به آن‌ها نزدیک شوی.

و شما به دلیل دغدغه‌هایتان در این حوزه، آن تعامل را دارید؟

بله تا این لحظه، همیشه سعی خودم را انجام دادم، اما از این به بعد رانمی‌دانم، چون خیلی آدم را خسته می‌کند، البته نه اینکه ارتباط با آن‌ها خسته‌کننده باشد، اینکه تو مدام باید مانند دوران روزنامه‌نگاری همه جاسرک‌بکشی ببینی کجا چه خبر است، چه کسی چه می‌گوید و چه می‌کند، این خستگی دارد.

به نظرتان نوجوان امروز چقدر می‌تواند با

زیبا صدایم کن، ارتباط برقرار کند؟

باتوجه به تأثیری که تماشاگر در سینما از فیلم

می‌گیرد، این اتفاق رخ داده است. وقتی در نظرات

مخاطبان می‌خوانم که هنوز فیلم تمام نشده بود،

دلم خواست به پدرم رنگ بزنم و بگویم اورا دوست

دارم، خیلی اتفاق مهمی است. همین که حس

فیلم این باشد که تماشاگر یاد پدرش بیفتد، با

اوتماس بگیرد، صدایش را بشنود و بگوید

دوست دارم، خوب است.

نکته دیگری که در بازخورد بسیاری

از مخاطبان دیده می‌شود، حس و

حال خوب فیلم است، با وجود این

که قصه در دورنجه‌ها را نیز روایت

می‌کند.

بله تماشاگر اشک هم

می‌ریزد، اما اشک تلخ و

غم‌انگیزی نیست، اشک

شوق است و حس خوبی

دارد.

سرنوشت «زیبا» و

پدرش در کتاب

متفاوت است و شما

نگاه دیگری به

قصه داشتید

نه؟

بله کتاب طبق

شرایط دوران خودش نوشته شد و من با احترام به فرهاد عزیز که نویسنده بسیار خوبی است به‌ویژه برای نوجوانان، این اجازه را از ایشان گرفتم که فرصت «برداشت کردن» از کتابش را به من بدهد، نه این که عیناً آن را بسازیم. خوشبختانه آقای حسن‌زاده هم این قدر مناعت داشت که این اجازه و فرصت را به من داد که فیلم خودم را از روی کتاب ایشان بسازم.

آقای حیایی در نقش «خسرو» مردی که دچار بیماری روحی است، حضور در خشنای دارد.

چه معیار و ملاکی برای انتخاب بازیگر این

نقش داشتید؟

من قبلاً در فیلم «شب» با امین کار کرده بودم و شناخت کافی از او داشتم که می‌تواند نقش را درک کند. وقتی «شعلهور» را دیدم، توانایی‌هایش در بازیگری کاملاً مشخص بود. این که بتواند طوری جلوی دوربین راه برود، حرکت و صحبت کند که دنیای افسرده و دربو داغون آن آدم‌ها را منتقل کند سپس از عمق این دنیایک شادمانی و نشاط بیرون بکشد و به دختر خودش که مخاطب باشد القا کند، کار بسیار دشواری است و نیاز به توانایی‌های یک بازیگر دارد. متأسفانه بازیگران ما فقط در سینمای ایران دیده می‌شوند، اما بسیاری از این بازیگران هر جای دنیا بودند در خشش‌شان جهانی می‌شد، بازیگران قدرتمندی داریم و یکی از آن‌ها هم امین حیایی است. هر نقش خودش می‌گوید که چه بازیگری را می‌طلبد، گاهی دیوا سه‌کاندیدا برای آن داری، گاهی هم فقط یکی و ما برای «زیبا صدایم کن» همین یک کاندیدا را داشتیم.

یعنی شما و گروه نویسندگان گزیننه‌های جداگانه‌نداشتید؟

خیر، همه متفق‌القول به امین حیایی رسیدید بودیم، او قبل از پایان نگارش فیلمنامه در جریان شکل‌گیری کار بود و شوق و میل زیادی داشت که این نقش را به بهترین شکل ایفا کند، همین اتفاق هم افتاد.

«خسرو» نقش سختی بود، برای نزدیک‌ی آقای حیایی به این نقش، اطلاعات فیلمنامه کافی بود یا از نزدیک با بیماران روحی ملاقات داشتند؟

باید از نزدیک این افراد را می‌دید، تحقیق می‌کرد و این کار را هم انجام داد. امین و گروه فیلمنامه‌نویسان، روزهای زیادی را در آسایشگاه رضاعی گشت‌زدند، با بیماران گفت‌وگو کردند، مطالعه و بررسی کردند تا احوالات بیماران را پیدا کنند. این آسایشگاه که یکی از آسایشگاه‌های روانی قدیمی تهران است، متعلق به پدر آقای کریمستوف رضاعی (آهنگ‌ساز) است و خوشبختانه به دلیل آشنایی با کریمستوف، این فرصت را داشتیم که در آن جاقدم بزنیم، با بیماران نشست‌وبرخاست کنیم. هم من بیشتر متوجه شدم که چه چیزی

عکس‌ها: مجید طالبی

می‌خواهم، هم امین کاملاً درک کرد که چه چیزی را قرار است بازی کند، بنابر این سر صحنه دیگر مشکل جدی وجود نداشت.

سکانس مربوط به قرار «خسرو» با ماشین گشت‌ارشاد و آزاد کردن دختران، جالب بود و مخاطبان نیز در سالن سینما واکنش مثبتی داشتند، اما عده‌ای از منتقدان معتقدند رفتار «خسرو» با توجه به شرایط شخصیت، منطقی نبود.

نقد بیراهی نیست، اما من به عنوان فیلم‌ساز می‌خواستم بعضی وقایع که مربوط به این دوران است، بدون قضاوت روی پرده، ثبت و دیده‌شود.

مادوران‌هایی را گذرانیدیم و واحدهایش را پاس کردیم که الان دیگر فراموش کردیم و اگر هم به یاد بیاوریم به آن دوره می‌خندیم. این موضوع هم باید جایی ثبت می‌شد، چون «زیبا صدایم کن» یک فیلم خیابانی و فیلم‌روز بود، فکر کردم که این اتفاق را در حاشیه خیابان ولیعصر داشته باشیم، آن افرادی هم که می‌گویند ناگهان از حالت یکدستی رابطه پدر و دختر دور می‌شویم، به‌نظر من خیلی بیراه نمی‌گویند.

امروزه فیلم‌های غیر کم‌دی مسیر سختی برای فروش دارند، بعضی از فیلم‌های خوب از جمله ساخته شما به اندازه ظرفیت‌شان دیده نمی‌شوند و کم‌دی‌ها پر فروش هستند، به نظرتان برای استقبال مردم از فیلم‌های اجتماعی چه باید کرد؟

واقعا نمی‌شود کاری کرد، شرایط جامعه باید عادی شود و آن شاء... فضا کمی معقول‌تر شود. وقتی مردم شادی ندارند، دوست دارند که آخر هفته بخندند، اما مشکل اینجاست که بعضی از این فیلم‌ها متأسفانه این قدر ساده‌انگارانه به موضوع نگاه کرده‌اند که حتی مخاطب را نمی‌خنداند! مثلاً «فسیل»، «۷۰ سی» یا قبل‌تر «ورود آقایان ممنوع» فیلمنامه‌های خوبی داشتند و روی فیلمنامه آن‌ها کار شده بود، تماشاگر هم لذت می‌برد، اما امروزه بعضی کم‌دی‌ها فقط وانمود می‌کنند که کم‌دی هستند، اما نیستند. شرایط اجتماعی باید کمی تغییر کند، کاری از دست ما ساخته نیست، فقط باید تلاش کنیم این نوع سینما همچنان زنده بماند.

قصد ندارید وارد عرصه سریال‌سازی شوید و مجموعه نمایش خانگی تولید کنید؟

اصلاً تحمل این مدل کار را ندارم، سریال ساختن این که مثلاً شش ماه یک سال هر روز صبح بروی سر کار، برای من شبیه کار کارمندی است! شاید یک زمانی سریال ساختم، اما فعلاً تصمیمی در این باره ندارم.

پروژه جدیدتان مشخص شده است؟

خیر فعلاً هیچ چیز قطعی نیست، باید اکران «زیبا صدایم کن» تمام شود و باز خورد‌ها را ببینم.

نوبت دوم

« آگهی مزایده عمومی »

شرکت آب و فاضلاب استان خراسان رضوی در نظر دارد؛ اقام مشروح ذیل را از طریق برگزاری مزایده عمومی به صورت یکجا به فروش رساند ؛

اقلام اسقاطی و ضایعاتی بشرح مندرج در جدول ذیل:

ردیف	مشخصات کالای مورد مزایده	وضعیت	واحد	مقدار/تعداد	قیمت واحد کارشناسی (ریال)	قیمت کل بدون ارزش افزوده (ریال)
۱	لوله پلیکا ۲۰۰-۱۱۰تمسفر	مستعمل	متر	۲۰۰۰	۱/۰۰۰/۰۰۰	۲/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۲	لوله آبد ۱۰۰ آهنی	اسقاطی	کیلوگرم	۱۰۰۰	۱۴۰/۰۰۰	۱۴۰/۰۰۰/۰۰۰
		مستعمل	متر	۱۰۰	۳/۰۰۰/۰۰۰	۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۳	شیرفلکه کشویی چدنی ۵۰- ۱۱۰تمسفر	اسقاطی	کیلوگرم	۱۰	۱۴۰/۰۰۰	۱/۴۰۰/۰۰۰
۴	شیرفلکه کشویی چدنی ۸۰- ۱۱۰تمسفر	اسقاطی	کیلوگرم	۱۲	۱۴۰/۰۰۰	۱/۶۸۰/۰۰۰
۵	شیرفلکه کشویی چدنی ۱۰۰- ۱۱۰تمسفر	اسقاطی	کیلوگرم	۳۰	۱۴۰/۰۰۰	۴/۲۰۰/۰۰۰
۶	شیریک طرفه اهرمی وزنه ای ۱۰۰- ۱۶تمسفر	اسقاطی	کیلوگرم	۱۵	۱۴۰/۰۰۰	۲/۱۰۰/۰۰۰
جمع کل						

زمان، مهلت و محل دریافت اسناد مزایده:

الف – مهلت دریافت اسناد مزایده: ۱۴۰۴/۰۳/۰۸

ب- محل دریافت اسناد مزایده: شرکت آب و فاضلاب استان خراسان رضوی (طبقه همکف - اتاق ۱۰۴ -دفتر قراردادها) واقع در مشهد - بولوار وکیل آباد - روبروی ایستگاه متروی صدف- تلفن: ۵۱۵ الی ۳۸۶۷۸۸۴-۰۵۱

دفتر روابط عمومی و آموزش همگانی- شرکت آب و فاضلاب استان خراسان رضوی

سایت اینترنتی: www.abfakhorasan.ir